



نشر علم

# غلامیر قاجار

نگاهی به

اصلاحات، تحولات  
و مدرن سازی ایران

از عباس میرزا قاعلی اکبر دهخدا

محمد قلندر آبادی

• عباس میرزا

• امیرکبیر

• مستشارالدوله

• سپهسالار

• حیدر عمو اوغلی

• حسن رشديه

• علی اکبر دهخدا

به نام پروردگار خداوند بزرگ و بخشنده مهربان

خادمین عصر قاجار

نگاهی به اصلاحات، تحولات و مدرن سازی ایران؛ از

عباس میرزا تا علی اکبر دهخدا

|                     |                                                                                                             |
|---------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : قلندرآبادی، محمد، ۱۳۶۸-                                                                                   |
| عنوان و نام پدیدآور | : خادمین عصر قاجار: نگاهی به اصلاحات، تحولات و مدرن‌سازی؛ از عباس میرزا تا علی اکبر دهخدا/ محمد قلندرآبادی. |
| مشخصات نشر          | : تهران: نشر علم، ۱۴۰۱.                                                                                     |
| مشخصات ظاهری        | : ۱۱۰ ص: ۱۳/۵×۲۱/۵ س.م.                                                                                     |
| شابک                | : 978-622-246-382-3                                                                                         |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیبا                                                                                                      |
| یادداشت             | : کتابنامه: ص، [۱۰۷].                                                                                       |
| یادداشت             | : نمایه.                                                                                                    |
| عنوان دیگر          | : نگاهی به اصلاحات، تحولات و مدرن‌سازی؛ از عباس میرزا تا علی اکبر دهخدا.                                    |
| موضوع               | : ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۱۹۳ - ۱۳۳۴ ق.<br>Iran -- Politics and government -- 1779 - 1925                |
| موضوع               | : ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۳۴ ق.<br>Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925                      |
| رده بندی کنگره      | : DSR۱۳۱۱                                                                                                   |
| رده بندی دیویی      | : ۹۵۵/۰۷۴                                                                                                   |
| شماره کتابشناسی     | : ۸۹۷۱۲۲۵                                                                                                   |
| ملی                 |                                                                                                             |
| اطلاعات رکورد       | : فیبا                                                                                                      |
| کتابشناسی           |                                                                                                             |



## خادمین عصر قاجار

نگاهی به اصلاحات، تحولات و مدرن‌سازی ایران؛ از عباس میرزا تا علی اکبر دهخدا

تحقیق: محمد قلندرآبادی

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراژ: ۴۴۰ نسخه

صفحه آرای: سید امیر حسین ابراهیمی بعد

چاپ: آزاده

لیتوگرافی: ترنج رایانه

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۶-۳۸۲-۳

## به پدر و مادرم

با یاد تمام دوستانی که در این  
مسیر بنده را یاری داشتند

### پیشگفتار

❶ اثر حاضر براساس زندگی هفت شخصیت سیاسی قجری نوشته شده است. نویسنده بدین وسیله به خوانندگان این کتاب اطمینان می‌دهد که با حداکثر توان و با حداکثر دقت با همه شخصیت‌های معرفی در این اثر مواجه شده و مطالبی که برای نوشتن این کتاب به کار برده را به صورت گزینشی از متون معتبر انتخاب کرده است، و اشخاصی که در این اثر معرفی نشده‌اند به هیچ عنوان به این معنا نیست که آن‌ها را نمی‌توان خادم دانست (و بالعکس).

در این اثر ما می‌خواهیم خدمت‌های سیاسیون را بگوئیم و بدین وسیله خاطره آن‌ها را در برابر ناآگاهی‌ها حفظ کنیم. بنابراین، لازم بود که هم خدمات و هم زندگی شخصی این اشخاص به طور کامل معرفی شوند؛ اما صرفاً، ما مقدمه‌ای در مورد هفت خادم عصر قاجار ارائه می‌کنیم.

❷ اثر حاضر حاصل یک سلسله تحقیق کتابخانه‌ای در تاریخ اندیشه ترقی خواه و کارنامه اصلاحات در دوران قاجاریه است. بنای رسالت ما در تالیف و گردآوری

تصنیف پیش‌رو، بیان سرگذشت عباس میرزا، امیرکبیر، سپهسالار و یا غیره نبوده، هرچند محدود به دوران پیشوایی آنهاست؛ به عبارتی دیگر، متن پیش‌رو تاریخ اجتماعی-سیاسی عصر قاجار نیست. هدف تدوین و ترویج زندگی‌نامه اشخاص هم نیست. مقصود گفتن مقدمه‌ای برای مطالعه سیاست‌های نوسازی و دستاوردهای تجددخواهانه است؛ تاریخ رژیم قاجار صرفاً در جایگاه پس زمینه

این تحولات محل بحث و توجه خواهد بود.

۳۲ فصل عباس میرزا و امیرکبیر، به صورت خلاصه در شماره ۲۶۷ و ۲۶۸ مجله خوب «دانستنیها» به چاپ رسید؛ که از همینجا بایستی از زحمات آقای سید محمدحسین خلیلی، بابت صبر ایوب‌شان و نشان دادن راه‌وچاه نوشتن در چاپ اولین مقاله‌ام تشکر کنم. فصل مستشارالدوله نیز به خلاصه در شماره ۷ دوره جدید مجله تجربه چاپ شد. به رسم سپاس بایستی از زحمات بی‌کران بی‌منت استادم، حسین روضه‌خوان‌باشی عزیز تشکر ویژه داشته باشم، چنانچه اگر ایده‌های ایشان و پشتیبانی‌هایش نبود، احتمالاً این اثر هم نبود. در انتها تشکر می‌کنم از سید امیرحسین ابراهیمی عزیز که با صبوری وصف‌نشدنی، پای‌کار صفحه‌آرایی کتاب نشست.<sup>۱</sup>

## ارادت

۱- همان‌طور که گفته شد، کتاب حاضر حاصل یک سلسله تحقیق کتاب‌خانه‌ای است. محتوای اثر با دقت و وسواس کامل از متون کتبی که در منابع آمده است، استخراج شده است. به دلیل پرهیز از شلوغ‌کاری و سردرگمی مخاطب، فقط به ضرورت برای قسمتی از محتوا منبع ذکر شده است.

و فرمود: پسر من! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام؛ اما در کردار  
آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی  
از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بودم.  
بخشی از نامه ۳۱ نهج البلاغه

## فهرست مطالب

|                                                                                                                                                |     |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| پیش گفتار.....                                                                                                                                 | الف |
| فصل یکم: عباس میرزا.....                                                                                                                       | ۱۰  |
| اصلاحات حکومتی تبریز.....                                                                                                                      | ۱۳  |
| اعزام دانشجو به بریتانیا.....                                                                                                                  | ۱۴  |
| تحولات نظامی (اوضاع قشون ایران قبل از اصلاحات - آغاز اصلاحات و دیگر گونی جنگ افزارها -<br>ترک اعتیاد - موانع - ارتش ایران بعد از اصلاحات)..... | ۱۴  |
| جنگ هرات.....                                                                                                                                  | ۱۹  |
| ضمیمه ۱ (کاترین دوم).....                                                                                                                      | ۲۰  |
| ضمیمه ۲ (عهدنامه های گلستان و ترکمان چای).....                                                                                                 | ۲۱  |
| منابع.....                                                                                                                                     | ۲۲  |
| فصل دوم: امیر کبیر.....                                                                                                                        | ۲۳  |
| قائم مقام فراهانی.....                                                                                                                         | ۲۷  |
| حکومت ناصرالدین شاه.....                                                                                                                       | ۲۸  |
| دسیسه (شهادت امیر کبیر).....                                                                                                                   | ۲۹  |
| معاهده ارزنه الروم.....                                                                                                                        | ۲۹  |
| روزنامه وقایع اتفاقیه.....                                                                                                                     | ۳۱  |
| ترجمه کتاب.....                                                                                                                                | ۳۲  |
| دارالفنون.....                                                                                                                                 | ۳۳  |
| آبله کوبی.....                                                                                                                                 | ۳۳  |
| سیاست های مذهبی (شخصیت مذهبی امیر کبیر - مشروبات الکلی - روحانیت - مقابله با تحصن -<br>اقلیت های مذهبی).....                                   | ۳۴  |

|    |                                                |
|----|------------------------------------------------|
| ۳۶ | ایران صنعتی.....                               |
| ۳۸ | اصلاحات نظامی.....                             |
| ۳۹ | اصلاح سیستم مالی.....                          |
| ۴۱ | ژاپن.....                                      |
| ۴۱ | میرزا آقاخان نوری.....                         |
| ۴۲ | آیا امیر کبیر هوادار روسیه بود؟.....           |
| ۴۳ | ضمیمه ۳ (خلاصه فعالیت های امیر کبیر).....      |
| ۴۵ | منابع.....                                     |
| ۴۶ | <b>فصل سوم: مستشار الدوله.....</b>             |
| ۴۸ | میرزا ملکم خان.....                            |
| ۵۱ | در روسیه.....                                  |
| ۵۴ | رساله یک کلمه.....                             |
| ۵۶ | فلسفه سایه خداوندی.....                        |
| ۵۶ | طرح اولیه قانون اساسی.....                     |
| ۵۷ | تحول مقیاس.....                                |
| ۵۸ | جریان اصلاح الفبا.....                         |
| ۵۹ | جبهه دینی و مذهبی.....                         |
| ۶۰ | آثار.....                                      |
| ۶۲ | نامی که همیشه همراه قانون خواهد بود (فوت)..... |
| ۶۳ | منابع.....                                     |
| ۶۴ | <b>فصل چهارم: سپهسالار.....</b>                |
| ۶۸ | وزارت عدلیه.....                               |
| ۶۹ | مطبوعات.....                                   |
| ۷۰ | دربار اعظم.....                                |
| ۷۲ | برقراری ساعت اداری.....                        |
| ۷۲ | لباس و موسیقی.....                             |
| ۷۳ | امتیاز رویت.....                               |

|     |       |                                                 |
|-----|-------|-------------------------------------------------|
| ۷۵  | ..... | اتا ماژوری                                      |
| ۷۵  | ..... | امتیاز شیلات شمال                               |
| ۷۶  | ..... | اصلاحات در پست                                  |
| ۷۶  | ..... | ضرب سکه جدید                                    |
| ۷۷  | ..... | قزاق خانه                                       |
| ۷۷  | ..... | موانع                                           |
| ۷۹  | ..... | منابع                                           |
| ۸۰  | ..... | فصل پنجم: حیدر عمو اوغلی                        |
| ۸۲  | ..... | شورش مشهد                                       |
| ۸۳  | ..... | ترور وزیر مخصوص                                 |
| ۸۳  | ..... | ترور اتابک                                      |
| ۸۴  | ..... | پادشاهی محمد علی شاه                            |
| ۸۶  | ..... | ترور محمد علی شاه                               |
| ۸۸  | ..... | قتل شجاع نظام                                   |
| ۸۹  | ..... | ترور بهبهانی                                    |
| ۹۰  | ..... | ضمیمه ۴ (امین الضرب و سید جمال الدین اسد آبادی) |
| ۹۲  | ..... | ضمیمه ۵ (میرزا کوچک خان)                        |
| ۹۴  | ..... | ضمیمه ۶ (دستاوردهای مجلس)                       |
| ۹۶  | ..... | منابع                                           |
| ۹۸  | ..... | فصل ششم: حسن رشیدی                              |
| ۱۰۴ | ..... | فصل هفتم: علی اکبر دهخدا                        |
| ۱۰۸ | ..... | فهرست اسامی                                     |

فصل اول

عباسی میرزا



در تاریخ رژیم قاجار سه عباس میرزا داریم که اولین آنها ولیعهد فتحعلی شاه بود که قبل از فوت پدر درگذشت، شهرت او به علت داشتن افکار روشن فکرا نه و اعمال متجددانه، عباس میرزاهای دیگر را زیر سایه نگه داشته است؛ او نخستین اصلاح گر حکومتی بود که پایه گذار برخی از اصلاحات و تحولات در حکومت گردید. پاره ای از مورخین اروپایی، از او به عنوان بزرگ ترین شاهزاده مشرق زمین یاد کرده اند. عباس میرزای دوم برادر ناصرالدین شاه است که با ادعای ولیعهدی به دنبال تخت سلطنت می گشت. سومین عباس میرزا پسر عبدالحسین میرزا فرمان فرما (از نوادگان ولیعهد عباس میرزا) بود.



فتحعلی شاه از دوستداران شعر و ادب بود و خود نیز شعر می‌سرود. به علما و روحانیون احترام می‌گذاشت و مسجد سلطانی (مسجد شاه) تهران که امروزه به نام مسجد امام خمینی خوانده می‌شود از یادگاری‌های دوران اوست. فتحعلی شاه مردی عیاش و خوش گذران بود که تعداد نود فرزند ذکور برای او ذکر شده است. از دیگر کارهای فتح علی شاه این بود که لقب "خاقان" به معنای پادشاه را به خود داد که از القاب چینی و مغولی است (در دوره قاجار لقب بعضی از درباریان و نزدیکان شاه «مقرب الخاقان» شد)؛ او تهران را دارالخلافه نامید در صورتی که خلیفه‌ای در آن وجود نداشت!

آقامحمدخان که در کودکی توسط یکی از افسارها عقیم شده بود، برادرزاده‌اش - باباخان (فتحعلی شاه) - را به ولیعهدی برگزید. به سال ۱۱۶۸ش فتحعلی شاه که خود هنوز ولیعهد بود، اطلاع یافت که خداوند فرزندی دیگر به او عطا کرده و باباخان نام این نورسیده را عباس گذاشت؛ عباس فرزند چهارم فتحعلی شاه و جوانی لایق و کاردان بود. در میان نود فرزند ذکور برای فتحعلی شاه، به جز چند تن از آنها مانند عباس میرزا و محمدعلی میرزا، باقی شایستگی و قابلیت چندانی نداشتند. فتحعلی شاه با وجود محمدعلی میرزا (دولت شاه)، پسر کوچک تر خود، عباس میرزا را به سال ۱۲۱۳ق (۸-۱۱۷۷ش) به ولیعهدی منصوب کرد. با اینکه نگرش روشن فکرانه‌ای که در عباس میرزا وجود داشت در محمد میرزا نبود، اما دلیل انتخاب وی برای ادامه سلطنت چیز دیگری است؛ آقامحمدخان به بهانه اتحاد میان قوم‌های مختلف قاجار، وصیت کرده بود که تاج و تخت پادشاهی به شاهزاده‌ای تعلق بگیرد که مادرش از قاجارها باشد.

آقا محمدخان یکی از وزیران خود، میرزاعیسی قائم مقام (میرزا بزرگ) را که مردی شایسته و سیاستمداری برجسته بود را به پیشکاری عباس میرزا برگزید تا رمز و راز حکومت داری را به او بیاموزد و او را با دنیای سیاست آشنا کند. عباس میرزا ضمن فراگرفتن امور نظامی، در ایام فراغت به مطالعه کتب سودمند می پرداخت. عباس میرزا با فراگرفتن زبان های مختلف و همچنین اصول فلسفه جدید غرب، خود را برای زندگی سیاسی - نظامی آینده مهیا می ساخت. پیرآمده ژوبر، فرستاده ناپلئون به دربار ایران، درباره خصوصیات ظاهری عباس میرزا می گوید: «شاهزاده عباس میرزا قدی بلند و صورتی به شکل بیضی دارد، حرکاتش خیلی متین و چشمانش جذاب و لبخندش شیرین و دلربا است، ابروان مشکی پرپشت و رنگش که از افتاب کمی سوخته، قیافه مردانه ای به او می دهد...».

### ■ اصلاحات حکومتی تبریز:

فتحعلی شاه پس از اینکه عباس میرزا را به ولیعهدی برگزید، او را فرماندار آذربایجان و تبریز را ولی عهدنشین شاهان قاجار ساخت. او که پس از ورود به تبریز متوجه بی نظمی در امور حکومتی و جمع آوری غیر منصفانه مالیات ها شده بود، دستور داد تا فروش حکومت ها غدغن و خود افراد صالح و خوش رفتار را به حکمرانی منصوب کرد. همچنین میزان دقیق مالیات را تعیین نمود تا ریالی اضافه از مردم گرفته نشود.

یکی دیگر از اصلاحات عباس میرزا در زمان حکمرانی بر آذربایجان این بود که دست روحانیون ریاکار را از امور مسلمین و دامن مذهب کوتاه کرد و بنا به فرمان او هر شب جمعه فقهای اهل علم و دانش در مساجد گردهم می آمدند و درباره احکام و کیفیت اجرای آن به مباحثه و مشاوره می پرداختند. شرکت شخص میرزاعیسی قائم مقام و گاهی نایب السلطنه رونق و جلوه مخصوصی به این مجالس می بخشید. او قضات صادق و قدرتمند را بر محاکم شرع منصوب کرده و دیوان خانه ای برای نظارت به قضات در تبریز دایر نمود.

ولی عهد علاوه بر مرتب سازی اوضاع چاپارخانه های آذربایجان، دستور داد تا شهرهای مهمی چون اردبیل، خوی و مراغه از صورت های قبلی خود خارج شده و خیابان ها و عمارات دولتی به شکلی نوین احداث شوند؛ ضمناً فرمانی صادر کرد تا باغ های عمومی را در داخل شهر ایجاد کنند. عباس میرزا محل دارالسلطنه تبریز را به سبکی آبرومند و مجلل بنا کرد و چندین کاخ و عمارت پیرامون آن برپا نمود؛ این ساختمان ها با گذشت بیش از یک و نیم قرن هنوز محل بسیاری از ادارات دولتی هستند.

### ■ اعزام دانشجو به بریتانیا:

عباس میرزا در سال ۱۲۲۶ق (۹۰-۱۱۸۹ش) دو دانشجو و در سال ۱۲۳۱ق (۵-۱۱۹۴ش) پنج دانشجو را برای آموزش نقاشی، پزشکی، شیمی، ساخت توپ و علوم به بریتانیا فرستاد. این جمع پس از چند سال اقامت و کسب علم به میهن بازگشتند و موسسات صنعتی و تولیدی ایجاد کردند؛ مثلاً کارخانه های ماهوت سازی<sup>۱</sup> و پارچه بافی این پتانسیل را داشتند تا لباس مورد نیاز ارتش ایران را با کیفیتی نسبتاً خوب تامین کنند. طولی نکشید که تحول صنایع در همه جای ایران روی داد و استفاده و واردات کالاهای خارجی محدود شد.

در دوران حیات این شاهزاده علاوه بر تعلیم زبان های اروپایی، طرح ترجمه کتاب به زبان فارسی نیز کلید خورد که بیشتر این کتب مربوط به مسائل نظامی می شدند؛ به فرمان ایشان و با حمایت او، کتاب هایی چون تاریخ اسکندر، پتر کبیر و شارل دوازدهم به زبان فارسی ترجمه شدند.

### ■ تحولات نظامی:

ضرورت نو سازی در ساختار ارتش، تغییر شیوه های جنگی و بروزرسانی جنگ افزارها در روزگار عباس میرزا یک اولویت به شمار می آمد. او با استفاده از مستشاران خارجی - به ویژه فرانسوی ها، ایجاد ارتش مدرن را کلید زد.

۱- ماهوت: نوعی پارچه پشمی ضخیم و پرزدار

### اوضاع قشون ایران قبل از اصلاحات:

در آن عصر سپاهیان ایران عبارت بودند از سواره نظام که از ایالت‌ها و ملاکین گرفته می‌شدند. سران قبایل موظف بودند تا به نسبت جمعیت طایفه خود، نفرات و چهارپایان و یا وسائل جنگی برای ارتش فراهم کنند. این سپاهیان که از ایل‌های مختلف گرد هم می‌آمدند کمتر تناسبی میان‌شان دیده می‌شد و دارای نظم، ترتیب و قوانین مشترکی نبودند. غالباً روحیاتی متعصب گونه داشتند که فقط به فرمان سرکرده و یا رئیس طایفه خویش عمل می‌کردند و این عرصه را برای فرمانده کل تنگ می‌نمود. قسمت دیگر لشکریان ایران جمعی پیاده بودند که از افراد محلی و یا داوطلبین تشکیل می‌شد، هزینه اداره این جمع از شهرهای معتبر اخذ می‌گشت. اوضاع پیاده نظام رضایت‌بخش و قابل اطمینان نبود، گاه‌وبی‌گاه پراکنده و در ضرورت جنگ با زحمت فراوان گرد هم می‌آمدند. مدت خدمت سربازان معلوم نبود و هر سرباز در سال ۳۰ تومان و افسران از ۴۰ تا ۵۰۰ تومان حقوق دریافت می‌کردند و از مالیات هم معاف بودند؛ روزی یک چهارم نان سهمیه غذایی برای هر نفر بود، به هر دو سرباز یک راس اسب تعلق می‌گرفت که هزینه نعل‌بندی اسب‌ها نیز به عهده سوار بود.

قشون ایران دارای ارزش جنگی و قدرت کافی برای نبرد نبودند؛ تفنگداران تنها به یک صف تیراندازی و سواران ترکمن ارتش، هنوز از تیر و کمان برای نبرد بهره می‌بردند. افراد عضو سوارنظام در جنگ نظام نمی‌گرفتند و هرطور که پیش می‌آمد برای تاخت و تاز آماده می‌شدند. تفنگ‌هایی که در برابر گلوله مقاومت نداشتند، گاه‌آمی ترکیدند!

دسته‌ای از ارتش ایران را سوارانی مخصوص شکل می‌دادند که به آنها «غلامان شاهی» می‌گفتند؛ در واقع آنها گارد ویژه شاهنشاهی بودند که تحت فرماندهی شاه وقت قرار داشتند. این جمع چهار هزار نفره که از فرزندان بزرگان تشکیل می‌شد - با اسلحه، اسب، لباس و جیره و مواجب بهتر خود را از سایر ارتش متمایز کرده بود.



در ارتش ایران تعدادی زنبورک وجود داشت که نوعی توپ دستی کوچک بود. در میدان جنگ اغلب بر پشت چهارپایان و غالباً شتر حمل می‌شد.

آغاز اصلاحات و دگرگونی جنگ‌افزارها:

عباس میرزا در ابتدای اصلاحات، شیوة قدیمی سربازگیری را ملغا کرد و فرمانی صادر کرد تا مردم داوطلب برای اجرای ارتش نوین خود را معرفی نمایند. به واجدین شرایط نیز جیره و مواجب کافی تعلق می‌گرفت. این فرمان به وسیله حکام ولایات به گوش مردم می‌رسید. عباس میرزا ضمن استخدام معلمین خارجی برای تعلیم داوطلبین، روابط خوبی با صدراعظم اتریش برقرار کرد و نمونه‌هایی از اسلحه‌های آن کشور، که در امور نظامی به کشورهای دیگر اروپایی برتری داشت را به سال ۱۸۱۹م (۸-۱۱۹۷ش) به ایران وارد کرد (او حتی در خواست کمک سیاسی از اتریشی‌ها را داشت تا ایرانیان را در برابر روسیه و انگلستان حمایت کنند). او تعدادی متخصص انگلیسی و فرانسوی استخدام کرد تا از روی نمونه‌های اتریشی شروع به تولید اسلحه کنند؛ تا آماده شدن اسلحه‌های تولید داخل، از این جهت که سپاهیان زودتر به صلاح‌های مدرن تجهیز شوند،

شش هزار قبضه تفنگ از انگلستان وارد کرد. در خلال تولید اسلحه کارخانه‌های باروت‌سازی نیز دایر شد.

عباس میرزا با همیاری یکی از افسرانی که همراه هیئت اعزامی ناپلئون از فرانسه به ایران آمده بود، در شهر اصفهان کارخانه توپ‌سازی تأسیس نمود؛ گلوله‌های توپی که تا پیش از این در ایران معمول بود، توپ‌هایی بود که نادرشاه افشار به غنیمت گرفته بود. این توپ‌ها با صد نفر کار می‌کرد و به بیست نفر برای تیراندازی احتیاج داشت؛ اما توپ‌های جدید با پنج نفر به کار می‌افتاد. ایشان تعدادی از جوانان با تحصیلات نسبی را مشغول تحصیل علم ساخت قلعه نزد فرانسوی‌ها کرد و پس از چند ماه که این افراد علوم لازم را آموختند به فرمان عباس میرزا در شهرهای مهم آذربایجان شروع به ساخت قلعه‌های نظامی کردند. نمونه‌هایی از این قلعه‌ها در عباس‌آباد و نخجوان باقی است.

#### ترک اعتیاد:

از جمله اقدامات اصلاحی دیگر نایب‌السلطنه در ارتش، وادار ساختن افسران ارشد به ترک اعتیاد به قلیان بود. او که پی برده بود اعتیاد به قلیان علاوه بر زیان‌هایی که برای سلامتی دارد، باعث اتلاف وقت افسران و گاه‌ها حریق در اردوگاه می‌شود، پس از این که خود این عادت را ترک نمود با این توجیه که استعمال دخانیات ممکن است کار بدی نباشد، اما در کشور ما به قدری افراط می‌کنند که اغلب امور مهم را به فراموش می‌سپارند، افسران را از مصرف دخانیات نهی کرد.

#### موانع:

بخشی از مخالفت‌هایی که بر ضد عباس میرزا صورت می‌گرفت، حاصل قدرت‌طلبی دیگر شاهزادگان قاجاری بود. از مهم‌ترین ضدیت‌هایی که بر علیه نایب‌السلطنه به عمل آمد، مخالفت‌های رهبران قبایل بود. میان دلیل ناسازگاری شاهزادگان و سران قبایل، یک تفاوت اساسی وجود دارد؛ رهبران طایفه‌ها و قبایل برای جلوگیری از کاهش قدرت خود و ترس از ایجاد یک ارتش ثابت و عدم تکیه سپاه به نیروی عشایر و ایلات، به مخالفت با عباس میرزا برخاستند. در واقع مخالفات شاهزادگان با انگیزه کسب قدرت بود و نه الزاماً با اصلاحات.

از قراری که لازمه اصلاحات نظامی ارتباط با خارج از ایران بود، سستی گرایان افراطی آن را شرک و گناهی بزرگ بر شماردند؛ از همین رو عباس میرزا کلاس‌های درس نظامی با اساتید روس (این افسران ارتش روس به دلایلی از ارتش فرار و به ایران پناهنده شده بودند)، که ابتدا آنها را برای آموزش سپاهیان جدید استخدام کرده بود را با یک جمع بیست نفره شروع و در محلی خلوت این جلسات را برگزار می‌کرد تا از نظر منتقدین پنهان بماند. یکی از سیاحان اروپایی با اشاره به موانع مذهبی در مسیر اصلاحات نوشته است: «مخالفان عباس میرزا او را لایق ولایت عهدی نمی‌شمردند. زیرا او فرنگی شده و چکمه فرنگی می‌پوشد.» این در حالی است که در میان اصلاح‌طلبان، عباس میرزا و امیرکبیر بیش از دیگران به برنامه و سیاست‌های ضد استعماری توجه داشته‌اند.

ارتش ایران بعد از اصلاحات:

مجموع نیروی نظامی ایران بعد از اصلاحات عبارت بود از: شصت هزار نفر پیاده نظام، صد و چهل هزار نفر سواره نظام و دو هزار و پانصد توپچی؛ سربازان ملبس به یونیفورم مشترک، شامل: نیم تنه‌ای آبی رنگ، شلواری سفید و گشاد، چکمه و کلاه‌ی از پوست گوسفند (برخی از سربازان این کلاه را با یک پر می‌آراستند که در اصطلاح آن زمان به آن پر «تل» گفته می‌شد)، شده بودند. عباس میرزا فوجی از توپچیان سواره تشکیل داد که می‌توانستند بیست فروند توپ را در میدان جنگ حرکت دهند.

سربازان در دو ماه اول هر سال احضار و پس از چهار ماه، اول پاییز مرخص می‌شدند. لشکریان بعد از حضور و غیاب حقوق سالیانه خود را دریافت می‌کردند؛ عباس میرزا گاه‌گاه مجبور می‌شد برای اخذ پول لازم برای جیره و مواجب لشکریان از پدر، متوسل به حيله و نیرنگ شود.

## ■ جنگ هرات:

پس از مرگ نادرشاه افشار انسجام افغانستان به تدریج رو به تحلیل رفت و سه حوزه کابل، هرات و قندهار هر کدام تحت حاکمیت‌های مختلف قرار گرفت. فتح‌علی‌شاه برای جبران ناکامی در جنگ‌های ایران و روس به فکر بازپس‌گیری هرات افتاد. عباس میرزا در زمان محاصره هرات در تهران بود و به وسیله قاصدان از اخبار مطلع می‌گشت؛ وقتی متوجه شد که در کار محاصره گره افتاده با وجود کسالت به سمت هرات حرکت کرد، اما قبل از اتمام ماموریت خود بر اثر بیماری دستگاه گوارشی به سال ۱۲۱۲ ش و در سن ۴۴ سالگی درگذشت و در حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد. بعد از مرگ عباس میرزا برنامه‌ها و طرح‌های وی برای مدرنیزه کردن ایران به تاریخ سپرده شد و تاثیری که توانسته بود ایجاد کند نیز محو گردید. پس از مرگ عباس میرزا، محمد میرزا - پسرش - به جانشینی برگزیده شد که بعدها به نام محمدشاه به سلطنت رسید. او به محاصره هرات ادامه داد و پس از اشغال جزیره خارک به دست انگلیسی‌ها مجبور به عقب‌نشینی از هرات شد.